

موعظ فراز کوه

انجیل متی ۵ آیه ۳: خوشبختان مسکینان در روح زیر ملکوت آسمانی از آن است

تفسیر: مسیح در اینجا معیار خوشبختی واقعی را به ما نشان می دهد. در آیات مربوط به این موعظ مسیح هست صفات از کسانی که واقعا زندگی مبارک را دارند توصیف می کند. این صفات اصلی است که مسیحیان واقعی آنها را به فیض صاحب می ستوند. به دارندگان هر کدام از این صفات خوشبختی در زمان حال و همچنین به همراه هر صفت و عده خوشبختی آینده را نیز می رساند.

خوشبختان مسکینان در روح. این اشاره به اشخاصی ترسو و بزدل نیست بلکه فقر روحانی یک حالت درونی است که شخص از خود خالی شده تا به روح مسیح برسود. حال اینرا بصورت واضح تر تفهیم می کنیم.

اول: شخص در زیر فشارهای زندگی، سختیها و محناهای اینکه سخت دل شده و مسیح را مورد ملامت قرار داده و افکار کفرآمیز به قلب خود راه دهد بر عکس با تواضع و روحی افتاده حال و آینده خود را به مسیح می سپارد با این ایمان که او زنده است و قادر است او را به غریب هدایت و رهبری کند. اگر خواست خدا بر این باشد که فقیر بسود یا فقیر بهاندازه ضرر باشد آنرا قبول کرده و باقیانیت مسیح را خدمت کند. بسیاری فقیر هستند و در روح فقیر نیستند بلکه هنوز غرور و جاه طلبی در قلب آنها وجود دارد و در نتیجه موقعیت خود انتقاد و نکایت و بدگویی می کنند. وی یک مسیحی باید مثل پولس رسول بداند که در هر شرایطی که هست خدا را شکر گذار باشد چنانکه در فیلیپیان ۴ آیه ۱۳ فرمود: و ذلت را می دانم و دولتتمندی را هم می دانم زهر صدمت و در همه چیز سیری و گرسنگی و دولتتمندی و افلاس (کمبود) را یاد گرفته ام.

شخص مسکین در روح این را قبول می کند که در هر موقعیتی که هست خداوند اجازه داده و صلاح دانسته که در آن شرایط او را خدمت کند. به های عبادت و هسرت خوردن برای موقعیت بهتر در همان شرایطی که هست باید مسیح را با جان و دل پیروی کند. مسکینان در روح با فقیران و دردمندان می توانند همدردی کنند زیرا دل به مال و جلال این دنیا نبسته اند و می دانند که می توانند با اجازه خداوند مانند حضرت ایوب مورد آزار سس قرار گرفته و به علت فقرت این جهان از مسیحیان همه چیز و حتی جانانشان را از دست بدهند.

حضرت ایوب با از دست دادن تمام دارایی خود فرمود: برهنه از رحم مادر خود بیرون آمدم و برهنه به آنجا مراجع برگشت. خداوند داد و بخداوند گرفت و نام خداوند مبارک باد. در این هم ایوب گناه نکرد و به خدا جهالت نسبت نداد. (ایوب ۳ آیت ۲۱ تا ۲۴)

همچنین عبرایان ۱۰: ۳۴ زیرا که با اسیران نیز همدردی بودید و تاراج خود را نیز به خوشی می پذیرفتید چون دانستید که خود شما را در آسمان مال نیکوتر باقی است.

دوم: مسکینان در روح اشخاص هستند که خود را حقیر می بینند. به دارایی یا به استعداد و مقام خود فخر نمی کنند. مانند بچه ها که دارای ضعف و حماقت هستند حورا ناچیز می پندارند.

کلسای لاودیکه به نظر خود موفق و پر قدرت بود ولی مسیح آنرا مورد مصلحت قرار داده و گفت: لهذا چون فاطر (ولرم) بعین سرد و نه گرم ترا از دهان خود قتی خواهم کرد زیرا می گوئی رویتند هستی و دولت اندوخته ام و بهیچ چیز محتاج نیستم و سخن دانی که مستمند و مستکن هستی و فقر و کور و عمران (مکاتفه ۳: ۱۶ و ۱۷). بر عکس حضرت پولس رسول خود را حقیر و بدتر از بدترین گناهکاران در نظر می گرفت ولی دارای عطایای روحانی زیاد و قدرت عظیم ایمان بود.

آنها دیگران را از خود برتر دیده و حاضرند خود را متواضع و در نظر دیگران بی ارزش کنند تا محبت به هم نوع را بجا آورند مانند پولس رسول که هر کس را همه چیز گردید تا بپهر نوعی باعث نجات عده ای بشود (ارل ترنتیان ۹: ۲۲). در برابر عظمت الهی آنها خود را هیچ حتی کمتر از هیچ و بدتر از هیچ می دانند. خدا را مقدس می دانند و خود را گناهکار و در نتیجه خود را در مقابل خدای مقدس متواضع می کنند.

سوم: مسکین بودن در روح یعنی دوری از هر نوع اطمینان و اتکا به عدالت و قدرت خود تا برای عادل محسوب شدن به نظر خدا خود را فقط مدیون ندادگاری مسیح بر روی صلیب و محبت او بدانیم و برای پیشرفت در تقدس فقط متوسل به فیض او بشویم.

به روح مسکین آن با جگر در لوقا ۱۸: ۱۳ چنان خود را نخواست به ستری آسمان بلند کند بلکه به سینه خود زده گفت خدایا بر من گناهکارتر هم فرما و دعایم مقبول خدا شد. ما باید خود را همیشه محتاج بدانیم زیرا همیشه احتیاج به فیض و بخشش و قدرت او داریم تا بتوانیم یک لحظه زنده بمانیم. این مسکین بودن در روح در مرتبه اول صفت قرار دارد. فلاسفه متواضع را جزو اولین صفات اخلاقی قرار ندادند ولی مسیح آنرا اول قرار داد. در مدرسه او انکار نفس اولین درس است که یک ایماندار باید بیاموزد و روح مسکین جزو اولین برکات روحانی و تواضع اساس بقیه صفات روحانی است چنانکه در اسیحا ۵۸ آیه ۱۵ خداوند فرمود: من در مکاشفای عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسکه روح افسرده و متواضع دارد تا روح متواضعانرا احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم. همچنین انجیل را فقط با تواضع می توان پذیرفت چنانکه مسیح در متی ۱۱: ۲۸ فرمود ترس آیدای تمامی زمینکشان و گرا نیاران و من شما را آرامی فراهم بخشید. مسکینان در روح در این جهان نیز دارای خوشی و آرامش روحانی بوده و خدا هم نظر فیض به آنها دارد. آنها مانند کودکان شش هستند که فرشتگان محافظ خود را دارند. به آنها خدا فیض بیشتر می دهد. با خود و دیگران آسوده اند در حالی که مغروران هیچ نا آرامند. ملکوت آسمان از آن ایمان است. اعضای واقعی کلیای مسیح چنانکه در مزمور ۷: ۱۹ نوشته جماعت مسکینان (در روح) هستند. کسانی که خود را متواضع کرده و چنانکه خدایا باشد مرتبه پایین را در زندگی قبول می کنند مفتخر خواهند شد. اشخاص بلند پرواز و خود بزرگ بین با جلال ملکوت این دنیا از بین خواهند رفت ولی متواضعان و ملامتان و تسلیم شدگان به عدالت مسیح سر یک جلال ملکوت آسمانی خواهند شد. این وعده هم برای کسانی است که در حال فقری با رضایت و قناعت زندگی می کنند و هم برای کسانی است که با ثروت خود مسیح را خدمت می کنند زیرا هر دوی دانند که آسمای خوب و عادلانه دارند.

تفسیر: این برکت هم به نظر انسان طبیعی بی اساس است ولی در واقع به خوبی ادامه برکت اولی در آیه قبلی است. انسان چنانچه فکر می کند که خوشبختان کسانی هستند که به خنده و شادی می خندند ولی مسیح که خود ماتم بزرگی داشت فرمود که خوشبختیها و ماتمیان البته یک نوع ماتم است دنیوی که در ضمن برکت واقعی این ماتم است و آنرا شخصی دارد که به خاطر وابستگی خود به مال و جلال این دنیا با از دست دادن چیزی از آن غمگین شده باشد. نوعی دیگر غصه ای است که برای دوستان و آشنایان داریم ولی که برای آنها حوادث ناگواری رخ دهد و این نوع غمی طبیعی است.

ولی ماتم که مسیح در آیه ۴ به آن اشاره می کند ماتمی است که روح مسیح در ما بوجود می آورد. اولاً این ماتم نتیجه آگاه شدن به گناهکار بودن مندر در مقابل تقدس خدا است وقتی که به مسیح چشم می درازیم. اشخاصی که دارای چنین اندوه الهی هستند تمام زندگی شان به طبیعت گناه آلود خود و به گناهان بی شمار خود و به ناراحت شدن خدا در هنگامی که گناهی مرتکب می شوند واقف هستند.

همچنین این ماتم شامل اندوه بخاطر گناهان و مکروهات دیگران نیز می شود که با کذلان را متاثر می کند چنانکه در مزمز قیال ۱۶ آیه می خوانیم: "خداوند به او گفت از میان شهر یعنی از میان اورشلیم بگذر و بر سر سانی کسانی که به سب همه رحاساتیکه در آن کرده می شود آه و ناله می کنند نسائی بگذار."

وقم این ماتمی که مسیح در وصف می کند شامل همدردی برای زجر و سختی دیگران نیز می شود یعنی اندوه با آنانی که گریه می کنند و اندوه بخاطر نتایج مغرّب گناه.

مزمور ۱۳۷ آیه ۱: تردنهای بابل آنها نشستم و گریه نیز کردم چون صهیون را بیاد آوریم. "همچنین این ماتم شامل آن اندوهی است که برای جانهای که بدون نجات از مسیح دارند تلف می شوند در خود احساس می کنیم چنانکه مسیح برای اورشلیم قبل از سقوطش بگریست. این ماتمیان مبارک هستند بر عکس مندر و شادی دنیوی و مغروران که قلب را بعداً غمگین می کند، در غمی که بخاطر مسیح باشد یک شادی عمیق و رضایت منتهایی وجود دارد که کسی از ما نمی تواند بگیرد. آنها مبارک هستند مانند مسیح که خود مرد جفا و غمها بود و در باره اش در انجیل می خوانیم که هرگز خندید ولی بارها اشک ریخت. آنها از وسوسه های زیادی که با شادی دنیوی همراه است محفوظ هستند و در عوضی در آسایش و آرامشی که در بخشش گناهانشان دارند زندگی می کنند.

هر چند بنظر نیاید که فعلاً تسلی یابند ولی به اندازه کافی بر اساس وسایل تسلی فراهم می شود چنانکه در لوقا ۱۶: ۲۲ برای تسلی آن فقیر می خوانیم که بعد از مرگ به آغوش ابراهیم رفت، توجه کنید که خوشبختی جاودانی برای ایمانداران مسیحی یعنی تسلی کامل و ابدی در جایی که اشکها پاک خواهد شد. آن خوشی مورد مسیح خواهد بود یعنی سرشار از شادی و لذت آسمانی برای همیشه که دو برابر شریک خواهد بود برای آنانی که در این دنیا با ماتم الهی برای دریافت آن انتظار کشیده و آماده شدند. چنانکه در مزمور ۱۳۶: ۵ می خوانیم برای ایشان آن شادی معصوم بزرگشکهاشان است.

متی ۵ : ۵ خوسا بهال حلیمان زیرا ایسان وارث زمین خواهند شد .

تفسیر - حلیمان کسانی هستند که با سکوت خود را مطیع کلام خدا و عصای
 حلیم می کنند تا طبق تقسیم خدا برای زندگیشان او را پیروی کنند و نسبت به همه مردم
 ملامت هستند (تبطیس ۲: ۳). آنها خشم و نفرت دیگران را به خود تحمیل می کنند بدون
 اینکه خودشان از آن مستعمل شده و عکس العمل تند و فحشونت آمیز نشان دهند و در عوض
 با سکوت می کنند و با جواب ملامت می دهند . جایی که لازم باشد نارضاایتی خود را نسبت
 به موضوعی نشان می دهند بدون اینکه به رفتار تند و نامناسب یا کج کشیده شوند . آنها
 می توانند ملامت باشند در جایی که بقیه به جوش می آیند . به ندرت به خشم تحریک می شوند
 ولی به سرعت و به آسانی آرام می شوند و با تسلط به نفس و روح خود ترجیح می دهند
 ۲۰ بار بدی دیگران را به خود ببخشند تا یک بار انتقام بگیرند .

حلیمان در این جهان خوشبختند زیرا با صیح هم یوغ شده اند و از اوردن می گیرند .
 آنها مانند خدا مبارکند که بر خشم خود تسلط دارد و هیچوقت به اصطلاح از کوره در نمی آید .
 آنها مبارکند چون به معنی واقعی از مبارکت و مصاحبت با خدا و ایمانداران واقعی لذت می برند .
 آنها برای هر رابطه و هر شرایطی می توانند خود را مطابق کلام خدا تطبیق دهند . هم آماده به
 ادامه زندگی و هم آماده ترک هستند . آنها زبانی را به ارث خواهند برد (مزمور ۳۷ : ۱۱) ،
 نه به این معنی که همیشه قیمت زیادی زمینی را صاحب باشند بلکه این صفت به طور خصوصی
 وعده در زندگی این جهان فعلی را با خود همراه دارد . حلیم و ملامت بودن واقعاً در سلامتی و راهی
 و امنیت مادر این جهان هم تاثیر مثبت دارد . همچنین با بازگشت صیح به زمین حلیمان وارث
 زمینی خواهند بود تا زمانی که زمینی هست و بعد از آن وارث شهر آسمانی اورشلیم نو
 خواهند بود (مکاشفه ۲۱ : ۲۱)

متی ۵ : ۶ خوسا بهال گرسنگان و تشنگان عدالت زیرا ایسان سیر خواهند شد .
 تفسیر - اینها اشخاصی هستند که عمیقاً طالب عدالتند و می خواهند که آن نه تنها
 نسبت به خودشان بلکه برای دیگران نیز بجا آورده شود و حاضرند برای بجا آوردن عدالت
 صیحی گرسنگی و تشنگی را هم متحمل شوند . کسانی که با صبر و تحمل زور و ستم را متحمل
 شده با سکوت خود را به مسیح می سپارند تا در وقتی که خدا مقرر کرده به حسابشان رسیدگی
 کند . آنها در آن وقت تستی خواهند یافت . عدالت برکات روحانی مسیح را همراه دارد .
 تمام وجود انسان در آن عدالت تجدید می شود تا شخص جدیدی شود و صورت خدا را به
 خود بگیرد . به مسیح و کلامش علاقه مند شدن یعنی به عدالت راغب شدن . گرسنگان
 و تشنگان عدالت کسانی هستند که با تمام وجود آرزوی عدالت را دارند مانند کسی که گرسنه
 نان و تشنه آب است . آنها تا عدالت را بجا نیاورده باشند وجدانشان نا آرام است .
 مثلاً اگر نسبت به خدا و کسی گناه کرده باشند با اعتراف به خدا و توبه و جلب رضایت
 شخصی که او را رنجانیده اند عدالت الهی را مراعات می کنند زیرا هر گناهی نا عدالتی است ،

همه نسبت به خدا با شکره قواش او وجه نسبت به انسان با گریه حق او
 گرسنگی و تشنگی احتیاجاتی هستند که با یک بار خوردن و یکبار نوشیدن برای همه برطرف
 نمی شوند بلکه انسان احتیاج دارد که هر روزه سرشود به همین ترتیب با یکبار بجا
 آوردن عدالت گرسنگان و تشنگان عدالت سر نمی گردند بلکه آنها هر روزه
 استیها به عدالت دارند تا با انجام عدالت در زندگی خود راضی کنند. همانطور
 که باید برای بدست آوردن غذای جسم زحمت کشید آنها برای بجا آوردن عدالت به خود
 زحمت می دهند. مثلاً به هر وسیله ای که بتوانند و هدایت بشوند برای نجات دیگران
 کوششی می کنند تا دیگران به جایی آیند بر دگی گناه و شیطان را بکنند با اعتماد با مسیح آزاد
 شده و عدالت را بجا آورند. همیشه اشخاصی در میان خود برای بجا آوردن عدالت مبارکند
 زیرا این خواست خداست که در جهان عدالت به انجام رسد و نه شرارت زیرا خدا خودش
 عادل و مقدس است. فقط خداست که می تواند تشنگان عدالت را سیراب کند چنانکه
 در یوحنا ۱: ۱۶ می فرماید "وازیری او (مسیح) جمیع ما دریافت کردیم و فیض برای فیض"
 خدا آنان را از خویشی ملکوت خود پر ساخته، عدالتشان را کامل می کند و آنها را به صورت
 خود درخشان می کند

متی ۵: ۷ خوشبحال رحم کنندگان زیرا بر انسان رحم کرده خواهند شد.
 تفسیر - این هم مانند بقیه وعده های دیگر به نظر انسانهای عادی غیر منطقی است زیرا برای
 آنها رحم کنندگان نه جزو باخوش تر و نه جزو تر و تندترین انسانها می تواند بشوند.
 ولی راجع به آنها مسیح فرموده که خوشبحالان آنها کسانی هستند که با محبتی که از
 مسیح سرچشمه می کرد با کسانی که در بند بختی و بیماری هستند همدردی کرده و به آنها
 کمک می کنند. رحم کنندگان واقعی حتی اگر موقعیت مالی و جسمانی برای کمک به
 دردمندان را نداشته باشند ولی مایل و راضی به کمک هستند و خدا قلب مایل را می پذیرد
 هر چند واقعاً کمکی خدا از دستشان بر نیاید. ما تنها باید صبورانه متحمل بار مشکلات
 و وظایف خود باشیم بلکه با احساس همدردی میخانه برای کمک به برادران و خواهران مسیحی
 خود شریک درد و رنج آنها شویم. دلسوزی باید نشان داده شود تا در نتیجه تا حد ممکن
 به دردمندان و در ماندگان دست کمک را برسانیم. به نادانان دانش بیاموزیم. به کسانی که
 بی بند و بار زندگی می کنند اخطار دهیم و گناهکاران را از آتش نجات دهیم. به افسرده دلان
 آسودگی ببخشیم. با کسانی که از ما مقام و موقعیت پایین تری دارند سخت نگیریم. به احتیاجات
 واقعی ایوانداران کمک کنیم زیرا در غیر این صورت مرتکب گناه می شویم (یعقوب ۲: ۱۵ و ۱۶ و اول
 یوحنا ۳: ۱۷). بلکه یک مرد رحیم به حیوانات خود نیز رحم می کند.
 رحم کنندگان مبارکند چنانکه در سزمور ۴: ۱ می فرماییم: "خوشبحال کسیکه برای فقیر تفکر
 می کند. خداوند او را در روز بلا غلامی خواهد داد". با رحم کردن آنها مانند خدا هستند که خود
 رحیم است و احسان او جلال او است. رحم به دیگران خود نشانه خدا دوستی است این مایه
 رضایت خودمان است وقتی فایده ای برای دیگران داشته باشیم و وسیله ای مفید برای کمک

به آنها بسوسم . یکی از لذتبخش ترين و عالی ترين احساسات در زندگی نتیجه خوبی کردن است . دادن از گرفتن فرخنده تر است (اعمال رسولان ۲۰ : ۳۵)
 رحم کنندگان خرد رحمت بخواهند یافت . زبور ۱۸ : ۲۵ خوشبختی را (خدا) با رحیم رحیم می نهد . آنها از درگزان نیز رحمت بخواهند یافت . اسئال ۱۹ : ۱۷ هر که بر فقیر ترحم نماید بخداوند قرض می دهد و امان او را به او رد خواهد نمود .
 رحم کنندگان وارث ملکوتی خواهند شد که برای ایشان آماده شده است . برعکس بی رحمان خرد بدون رحم محکوم به عذاب ابدی خواهند شد .

متی ۵ : ۸ خوشبختی حال پاک دلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید
 تفسیر _ این کلی ترین صفت از صفاتی است که در این آیات از فضل ۵ انجیل متی ذکر شده . در این صفت یعنی پاکدلی هم تقدس و هم خوشبختی کاملاً تشریح و ترکیب شده اند . پاکدلی مهمترین صفت اشخاص مبارک است و دیانت واقعی از پاکدلی دل شریعی می شود . اشخاصی که درونشان پاک است تحت تاثیر دیانت پاک و بی آلاش هستند .
 صمیمیت واقعی فقط در قلب پاک می تواند جاگدین شود ، قلبی که از سرشارت پاک شده .
 ما باید نه تنها دستهای پاک را به درگاه الهی بلند کنیم بلکه با قلبهای پاک نیز به حضورش برویم .
 زبور ۲۴ : ۳ و ۴ " کیست که به کوه خداوند برآید و کیست که به مکان قدس او سالن شود او که پاک دست و صاف دل باشد " اول تیموتوس ۱ : ۵ " اما غایت حکم محبت است از دل پاک و ضمیر صالح و ایمان بی ریا " قلبی که صادق است شیت آن هم نیک است .
 چنانکه آب پاک با کمی کثافت آلوده می شود همچنین قلب پاک هم با کمی نادرتی رسرارت که اعتراف و از آن توبه نشده باشد آلوده می شود . به این علت قلب باید از تمام شهوات و افکار ناپاک و آرزوهای ناسالم پاک نگه داشته شود و بوسیله ایمان کاملاً برای خدا محفوظ بماند برای این است که در اسئال ۴ : ۲۳ می خوانیم : " دل خود را به حفظ تمام نگاه دار زیرا که صخره های حیات از آن است .

پاکدلان خدا را خواهند دید . این کمال خوشبختی روحانی است که آنها خدا را ببینند . به چشم ایمان هم در این دنیا خدا را می بینند که طبع بهشت است و هم در ابدیت . آنها او را نه دیگر مانند دیدن از پشت سینه تار بلکه همانطور که هست خواهند دید .
 زبور ۱۷ : ۱۵ و اما من روی ترا در عدالت خواهم دید و چون بیدار شوم از صورت تو سر نخواهم شد . این خوشبختی ابدی فقط و فقط به پاکدلان وعده داده شده است . برعکس برای ناپاکان دیدن خدا ترس و دهشت است زیرا چنانکه خدا به سرشارت نمی تواند نظر کند برعکس آنها هم از روی ترس نمی توانند به خدا نظر افکنند . همچنین هیچ چیز آلوده به حضور خدا در شهر مقدس اورشلم نمی تواند وارد شود بلکه پاکدلان وارد خواهند شد .
 پاک دلان کسانی هستند که بوسیله ایمان به خون مسیح به عنوان کفاره گناهانشان از هر گناهی پاک شده اند . آنها استیاق قلبی به دیدن خدا دارند و آرزوی آنها برآورده خواهد شد .